



جایگاه آیت الله العظمی فیاض در فقاہت و مرجعیت معاصر

با اشاره به تحولات سیاسی اخیر کشور

متن سخنرانی

استاد سرور دانش رئیس بنیاد اندیشه در مراسم بزرگداشت از
آیت الله العظمی فیاض و رونمایی از کتاب «از فیوضات فیاض» و
مجله «عدالت و امید»

قم - ۱۴۰۵/۶/۱۹

بنیاد اندیشه



محفل بزرگداشت و تجلیل از مقام شامخ علمی فقیه نواندیش

مرجع عالیقدر جهان تشیع حضرت آیت الله العظمی محمداسحاق فیاض (ره)

و آئین رونمایی از آثار منتشره، کتاب «از فیوضات فیاض» تالیف استاد سرور دانش و فصلنامه «عدالت و امید» در بازخوانی اندیشه های آن فقیه فرزانه.

۱۹ سنبله ۱۴۰۵

بنیاد اندیشه



بسم الله الرحمن الرحيم

با اغتنام از فرصت، در ابتدا سلام و احترام تقدیم می کنم به همه علما و فرهیختگانی که امروز در محفل رونمایی دو اثر فرهنگی مربوط به فقیه یگانه نجف مرجع فقید آیت الله العظمی فیاض حضور به هم رسانده اند و همچنین تشکر می کنم از همه دوستان و عزیزانی که همت کردند و زمینه برگزاری این محفل را فراهم ساختند. هدف اصلی ما از برگزاری این محفل، در حقیقت رونمایی از دو اثر قلمی نیست، بلکه هدف اصلی بزرگداشت و تکریم از مقام فقاها و مرجعیت آیت الله فیاض و تجدید یاد و خاطره آن گوهر تابان و در یتیم و نایاب نجف است.

اما پیش از هر سخنی اجازه دهید که ضمن گرمی داشت از هفته شهید، درود بفرستم به روان پاک همه شهدای راه عزت و آزادی افغانستان مخصوصا علمای مبارز و شهید کشور از علامه شهید بلخی تا استاد شهید مزاری و تا همه مجاهدان، علما و روحانیت مبارزی که در دوره جهاد رهایی بخش افغانستان و دوره های بعد از آن در راه عدالت و آزادی به شهادت رسیدند و همچن درود می فرستم به روان پاک همه علما و رجال بزرگ مخصوصا مراجع عظام تقلیدی که از این دنیا رخت بر بستند و به لقای حق شتافتند، مخصوصا آیت الله قربان علی محقق کابی و آیت الله محمداسحاق فیاض.

همچنین وظیفه خود می‌دانم که با استفاده از این فرصت یکبار دیگر سلام و درود بی‌پایان بفرستم به روان بزرگ‌مردی که در زمانه حاکمیت جور و جهل و جنون، مردانه، شجاعانه و حکیمانه در برابر همه یزیدیان زمان به مقاومت برخاست؛ رهبر شهید جمهوری اسلامی ایران آیت‌الله سید علی خامنه‌ای که همچون امامش علی مرتضی در ماه رمضان و در حال عبادت، به دست اشقی‌الاشقی‌های دوران، به شهادت رسید و به مقام قرب الهی "فزت برب الکعبه" نائل آمد و در تاریخ سراسر افتخار مبارزه و مقاومت در برابر طاغوت و استکبار، به یک الگوی جاودانه دیگر تبدیل شد. روانش شاد و راهش پر رهرو باد!

حضور گرامی!

من لازم نمی‌بینم امروز در باره این دو اثری که رونمایی می‌شود صحبت کنم. ارزیابی و قضاوت در این مورد را به شما فرهیختگان واگذار می‌کنم. اما تنها می‌خواهم به برخی از نکات مهم در مورد عظمت شخصیت آیت‌الله فیاض اشاره کنم و به برخی از سؤالاتی که گاهی از سوی اشخاص ناآگاه یا مغرض مطرح می‌شوند پاسخ کوتاه ارائه کنم و سپس به برخی از تحولات سیاسی کشور اشاره نمایم. اما قبل از آن این نکته را باید یادآوری کنم که این هر دو اثر (هم کتاب فیوضات فیاض و هم مجله عدالت و امید)، کمی با شتاب و در فاصله کمتر از ۴۰ روز و به مناسبت چهل‌م رحلت آیت‌الله فیاض تهیه و نشر شدند. یعنی هم تدوین و هم تنظیم و ویرایش و صفحه‌آرایی آن‌ها همگی در خلال کمتر از ۴۰ روز تهیه و به نشر سپرده شد و از این جهت ممکن است کاستی‌های زیادی هم داشته باشد ولی بدون شک در جای خود ابتکار عالی و قابل قدری است، اما این به نظرم کافی نیست و تنها گام نخست است و باید علما و محققان ما دست به قلم ببرند و بیشتر پژوهش کنند و بنویسند و نشر کنند.

امروز برخی می‌گویند که این نوع کارها یعنی پرداختن به علمای حوزه و فقه و اصول و فقاقت و مرجعیت، برای ما اولویت نداشته و یک نوع وقت‌گذرانی است و باید امروز برای مردم راه‌های نو را جستجو کرد. اما باید گفت این نوع اقدامات نه تنها وقت‌گذرانی نیست، بلکه عین نیاز مردم و ضرورت زمان ما است، مگر این که ما نیاز روز را تنها حضور در

سخنرانی استاد سرور در دانش در محفل بزرگداشت آیت‌الله فیاض ۱۹ سنبله ۱۴۰۵

فیسبوک و تیک تاک و رسانه‌های جمعی معنا کنیم و شب و روز دست به یخن همدیگر باشیم و تحقیر و اهانت و خودزنی و پاشیدن بذر تفرقه و نفاق را پیشه خود کنیم!

در عصر و زمانه‌ای که بر همه جای کشور جور و جهل و جمود و جنون حاکم است و همه سرمایه فرهنگی و اجتماعی و هویت تاریخی ملت به یغما برده می‌شود، معرفی چهره‌های علمی، بازنگری نظریات و اندیشه‌های دانشمندان و احیا و تقویت فرهنگ و تاریخ و ارزش‌های دینی و معنوی، خود یک مسئولیت سنگین و یک خدمت بزرگ در جهت تقدیر از دانش و اندیشه و آگاهی است و بر علاوه، سخن گفتن از فیاض و فیاض‌ها تقدیر از ثمرات حضور بیش از یک قرن حضور مردم ما در حوزات علمیه و مراکز علمی است، آن هم در عصری که خیلی‌ها تا دیروز طلاب و علمای افغانستانی در حوزه‌ها را نه تنها شایسته اجتهاد و فقاہت نمی‌دانستند، بلکه آنان را موجودات اضافی و بار دوش حوزه دانسته و به عنوان حوزویان درجه ۲ و ۳ تلقی می‌کردند. اما امروز همین دانشمندان وطن ما با تولید اندیشه و دانش‌افزایی خود، تاریخ و سرنوشت حوزه‌ها را رقم زده‌اند. آیا این جای افتخار نیست که شخصیت عالی‌قدری مانند مفسر بی‌نظیر قرآن آیت‌الله جوادی آملی بگوید: «این طلبه افغانی (آخوند خراسانی هروی ارزگانی) بود که الآن یک قرن ما را دارد به دنبال خودش می‌کشاند... صد سال قبل این طلبه افغانی در مشهد درس خوانده و بعد رفته نجف و درس خوانده، کفایه نوشته، الآن ما صد سال است دنبال او هستیم».

من حتی می‌خواهم برسخنان آیت‌الله آملی اضافه کنم که تا چند صد سال دیگر هم نه تنها آخوند خراسانی هروی ارزگانی بلکه فیاض غزنوی جاغوری نیز تمام حوزات علمیه شیعه را به دنبال خود خواهد کشانید و این افتخار و امتیاز کمی نیست.

برخی دیگر هم مطرح می‌کنند که آیت‌الله فیاض درست است که یک فقیه و مجتهد برجسته و یک دانشمند بی‌نظیر بود، اما می‌پرسند که او همه عمر خود را در عراق به سر برده و برای مردم و کشور خود یعنی برای افغانستان یا برای هزاره‌ها چه کرده است؟

من در پاسخ عرض می‌کنم که آیت‌الله فیاض بدون این که کمترین منت‌داری از کشور و سرزمین مادری یا قوم هم‌کیش و هم‌زبان خود داشته باشد و یا کدام کمک و حمایتی از کسی و گروهی دریافت کرده باشد، تنها با همت بلند و تلاش و کوشش نفس‌گیر و

تقوا و تهذیب نفس خود، خود را به قله رسانید، به قله بلند و شامخی که رقابت برای فتح آن بسیار طاقت فرسا است. فیاض همراه با خود، شما را یعنی ملت و کشور خود را هم به قله رسانید. ملت‌ها با علم و دانش و با چهره‌ها و استعدادهای درخشان خود به قله‌ها صعود می‌کنند.

این سؤال بسیار ساده‌لوحانه است که بگوییم فیاض برای ملت خود چه کرد؟ فیاض شما را حد اقل در دنیای پهناور اجتهاد و فقاقت، به اوج افتخار رسانید. مرجعیت جهانی قله بلندی است که در رقابت سخت جهانی کمتر کسی یا کسانی می‌توانند این قله را فتح کنند. آیا این کم خدمتی است؟ فیاض دهقان‌زاده‌ای بود که پدر بینوایش حتی یک متر زمین از خود نداشت و برای دهقانی زمین‌داران دیگر از دیار مادری خود همیشه آواره بود و بالاخره در آوارگی هم جان سپرد، اما این فرزند برومندش نه تنها نام پدر و مادرش، بلکه نام ملت و وطنش را تا آسمان‌های بلند علم و دانایی بالا برد! اکنون شما نیز بیایید همت کنید و در سایر رشته‌های علمی میدان‌دار شوید و در رقابت جهانی در فیزیک و طب و فلسفه و سیاست و جامعه‌شناسی و مانند آن خود را به قله برسانید، تا شما نیز فیاض دیگری شوید و افتخار دیگری برای ملت خود به ارمغان بیاورید.

برادران و خواهران گرامی! علما و طلاب عزیز!

جایگاه فیاض را باید در دو قلمرو یا در دو محیط بررسی کرد: یکی محیط علمای افغانستان و دوم محیط مکتب نجف و جهان تشیع و نه با محیط غرب و اروپا و با انیشتاین و نیوتن و کانت و دیکارت و هایدگر و مانند آنان.

اول- در محیط علمای معاصر افغانستان

در این رابطه در کتاب از فیوضات فیاض، فصل نخست را به این عنوان اختصاص دادم: (حوزه نجف؛ خاستگاه نسلی از فقه‌ها و مجتهدان افغانستانی از محمدکاظم خراسانی هروی تا محمداسحاق فیاض) و به همین مناسبت علمای افغانستانی را به سه نسل تقسیم کردم: نسل اول- سه چهره شاخص تاریخی: محمدکاظم خراسانی هروی ارزگانی الاصل صاحب کفایه الاصول و ملا فیض محمد کاتب هزاره که

سخنرانی استاد سرور در دانش در محفل بزرگداشت آیت‌الله فیاض ۱۹ سنبله ۱۴۰۵

او نیز بدون شک یک فقیه و مجتهد برجسته بود و ملا محمدافضل ارزگانی. نسل دوم- نسل فقها و مجتهدان معاصر و نسل سوم- نسل فرهنگ و سیاست.

فیاض جزء نسل دوم بود. منظورم از نسل دوم در این تقسیم بندی، نسل ۵۰ سال اول قرن گذشته خورشیدی است از اوایل عهد سلطنت امان الله خان تا اواخر محمدظاهرشاه. در میان این نسل در حدود ۴۰ تا ۵۰ تن علمای شاخص و درجه اول وجود دارند که من تنها از حدود ۲۰ نفر در این کتاب نام بردم و امیدوارم این فهرست را با دقت و تفصیل بیشتر تکمیل کنیم.

اما نکته‌ای که امروز می‌خواهم در این قسمت اضافه کنم این است که آیت‌الله فیاض در میان این جمع یعنی نسل فقها و مجتهدان معاصر افغانستانی نیز در قله قرار داشت. به عنوان مثال از این نسل هفت تن از علمای شناخته شده و بسیار برجسته را نام می‌برم که متأسفانه اکنون همه آنان دیگر در میان ما نیستند و به رحمت حق پیوسته‌اند. این هفت تن متعلق به یک عصر و زمان و باهم همقراغ هستند و تاریخ تولد آنان نزدیک به همدیگر و در دهه‌های اول و دوم و سوم قرن خورشیدی گذشته یعنی از سال ۱۳۰۰ تا ۱۳۳۴ وارد حوزه نجف شده‌اند که به ترتیب تاریخ ورود آنان به نجف نام می‌برم:

۱. **آیت‌الله علامه مدرس افغانی** (متولد ۱۲۸۴ متوفای ۱۳۶۵ ش). تاریخ ورود به نجف:

۱۳۰۴ ش. مرحوم مدرس هم از نگاه سنی و هم از نگاه تاریخ ورود به نجف و هم از نگاه مقام استادی شیخ المشایخ و استاذ الاساتذه ما است و تا به امروز اکثر طلاب افغانستانی و ایرانی و حتی عرب شاگرد مستقیم یا بالواسطه ایشان هستند.

۲. **آیت‌الله سید سرور واعظ بهسودی** (متولد ۱۲۹۵ متوفای ۱۳۵۸ ش) تاریخ ورود به نجف: ۱۳۳۵.

۳. **آیت‌الله محمدعیسی محقق خراسانی** (متولد ۱۳۱۵ ش) تاریخ ورود به نجف: ۱۳۳۵ ش.

۴. **آیت‌الله محمداسحاق فیاض** (متولد ۱۳۰۹ ش متوفای ۱۴ جوزای ۱۴۰۵). تاریخ ورود به نجف: ۱۳۳۸.

۵. **آیت‌الله قربانعلی محقق کابلی** (متولد ۱۳۰۷). تاریخ ورود به نجف: ۱۳۳۲.

۶. **آیت‌الله محمدآصف محسنی قندهاری** (متولد ۱۳۱۴). تاریخ ورود به نجف: ۱۳۳۲.

۷. **آیت‌الله موسی عالمی بامیانی** (متولد ۱۳۱۰ متوفای ۱۳۵۲ش). تاریخ ورود به نجف: ۱۳۳۴.

در میان علمای یاد شده، موسی عالمی هنوز هم ناشناخته باقی مانده است. اما او نه تنها یک مجتهد بلکه یک نابغه بود. او در جلد اول کتاب "المفصل فی شرح المطول" خود تنها در باره بسمله ۱۱۷ صفحه شرح نوشته است. از این کتاب تنها چهار جلد چاپ شده و اگر مرگ نابهنگام مانع نمی‌شد، عالمی این کتاب را در ۱۰ جلد نشر می‌کرد که برای اولین بار در کنار "المدرس الافضل" علامه مدرس، این هم به عنوان یک دائرة المعارف بزرگ در علوم عربی معانی و بیان و بدیع، به دست توانای یک فارسی زبان هزاره بامیانی تألیف می‌شد.

هریک از این هفت تن از نگاه جایگاه علمی و آثار و تألیفاتی که به یادگار گذاشته اند همگی افتخار افغانستان هستند، اما فیاض بدون هیچ شک و تردیدی در میان همه علمای معاصر افغانستانی یک سرگردن از همه بالاتر بود. دلیل آن هم عیان است. کتاب‌های ایشان و شاهد عینی دیگر هم جایگاه مرجعیت جهانی ایشان در محیطی مانند نجف و کشورهای عربی و بازتاب جهانی رحلت فیاض و مراسم با شکوه تشییع جنازه ایشان در کشور عراق و پیام‌های تمجید و تکریمی که از سوی رجال درجه اول علمی و سیاسی نشر شد.

دوم - در محیط علمای معاصر نجف اشرف

آیت‌الله فیاض در پیوند با مکتب نجف و فقاها و مرجعیت جهانی نیز در قله قرار دارد. در این قسمت نیز از هفت تن از استوانه‌های فقاها و مرجعیت نجف نام خواهیم برد. **فیاض آخرین و زبده‌ترین شارح علمی مکتب نجف (شیخ انصاری و آخوند خراسانی) است.** مکتب فقهی بزرگ نجف، مؤسسان و شارحان و مفسران زیادی داشته است اما می‌توان گفت که همه آنان مخصوصاً هفت تنی که از اساطین مکتب نجف در دو قرن اخیر هستند، همگی امروز در شخصیت علمی فیاض فشرده شده است، به گونه‌ای که بدون اغراق می‌توان گفت که: **امروز آیت‌الله فیاض یعنی شیخ اعظم انصاری؛ آیت‌الله فیاض یعنی محقق**

خراسانی هروی؛ آیت‌الله فیاض یعنی محقق نائینی، محقق عراقی، محقق اصفهانی معروف به کمپانی؛ آیت‌الله فیاض یعنی آیت‌الله خوئی و شهید سید محمدباقر صدر.

برای توضیح این تسلسل تاریخی باید اضافه کنم: در دو قرن اخیر تاریخ نجف، در دوره نخست شیخ الفقها و المجتهدین که به نام شیخ اعظم شهرت یافت، شیخ مرتضی انصاری قرار داشت. در دوره بعدی، محقق خراسانی از شاگردان شیخ انصاری، در رأس مکتب فقهی نجف قرار گرفت و در دوره سوم، سه محقق دیگر یعنی محقق نائینی، محقق عراقی و محقق اصفهانی هر سه نفر از شاگردان آخوند خراسانی بودند. در مرحله چهارم آیت‌الله خوئی است که شاگرد هر سه محقق یادشده بوده است و در مرحله پنجم اکنون آیت‌الله فیاض است که شاگرد آیت‌الله خوئی است. به عبارت دیگر می‌توان وی را شاگرد بالواسطه شیخ انصاری و آخوند خراسانی و محققان دیگر و وارث برحق حرکت علمی دوصدساله اخیر نجف دانست.

دلیل روشن این موضوع المباحث الاصولیه است که در ضمن ۱۵ جلد ضخیم، تمام مسائل علم اصول را از آغاز تا پایان به صورت علمی تشریح کرده و نظریات هفت تن از اساطین مکتب نجف: (شیخ انصاری، آخوند خراسانی، محقق نائینی، محقق عراقی، محقق اصفهانی، آیت‌الله خوئی و شهید صدر) را به طور عالمانه شرح و نقد کرده است.

آیت‌الله فیاض در هر سه عرصه تدریس، تحقیق و تألیف دارای ویژگی‌های منحصربه‌فردی است. معیار مراتب علمی یک شخص این نیست که در کلاس‌های زیاد درس شرکت کرده باشد. ممکن است کسی ده‌ها سال هم شاگردی کند و در درس بزرگ‌ترین اساتید هم شرکت کند اما در واقع ذهن او تهی از اندوخته‌های علمی باشد. گفته می‌شود که شیخ انصاری در مرحله تلمذ، به کمترین درس شرکت کرده است، اما او به خاطر تدریس و تحقیق و تألیف کتاب‌هایی مانند مکاسب و رسائل، لقب "الشیخ الاعظم" را دریافت کرد. معیار اصلی، تدریس و تحقیق و تألیف است.

آیت‌الله فیاض در زمینه تدریس، علاوه بر تدریس سطوح عالی، در حدود ۴۸ سال تدریس خارج داشته است و در طی این مدت دو دوره کامل خارج اصول را تدریس کرده و دوره سوم را تا بحث استصحاب

ادامه داده و بعد از آن به جهت مشکلات صحتی درس خارج خود را برای همیشه تعطیل کرده است. اما درس خارج فیاض نسبت به درس‌های خارج بسیاری دیگر از فقها به شمول استادش آیت‌الله خوئی از مزیت بیشتری برخوردار بوده است. آیت‌الله خوئی در طول ۵۷ سال درس خارج، هفت دوره درس خارج اصول داشته یعنی به طور اوسط هر دوره درس ایشان ۸ سال طول کشیده است، در حالی که هر دوره درس خارج اصول فیاض ۱۶ تا ۱۸ سال یعنی دو برابر دوره درس آیت‌الله خوئی، طول کشیده است و این نشان دهنده وسعت و دقت و عمق و جامعیت درس آیت‌الله فیاض را نشان می‌دهد.

همچنین فیاض فراتر از تدریس و تحقیق، دست به قلم برد و با قلم جادویی و سحرآمیز خود دوره کامل اصول و فقه را با دقت علمی و با شیوه اجتهادی به رشته تحریر کشید. در حالی که حتی در میان اعلام و اساطین دو قرن اخیر چهره‌های کمی هستند که مستقیماً دست به تألیف بزنند و دانش و اندیشه جمع زیادی از آنان توسط شاگردان ایشان تقریر شده است.

آثار مهم علمی نائینی و عراقی توسط شاگردان ایشان تقریر شده مانند فوائدالاصول از تقی آملی و اجودالتقریرات از آیت‌الله خوئی به عنوان تقریرات درس محقق نائینی و همچنین بدائع الافکار میرزا هاشم آملی و نهایت الافکار محمدتقی بروجردی به عنوان تقریرات درس محقق عراقی و حتی مباحث اصلی آیت‌الله خوئی در فقه و اصول توسط شاگردان ایشان تقریر شده است. از آیت‌الله خوئی جز معجم رجال و البیان و تقریرات درس محقق نائینی، بقیه مجلدات "موسوعه الامام الخوئی" که در ۵۰ جلد نشر شده، توسط شاگردان ایشان نوشته شده و خوشبختانه مهم‌ترین آثار خوئی در علم اصول توسط علمای افغانستانی نوشته شده مانند "محاضرات" فیاض و "مصباح الاصول" واعظ بهسودی و از همین رو کتاب محاضرات در زمان خود نه تنها آیت‌الله فیاض بلکه مقام علمی آیت‌الله خوئی را نیز به شهرت رساند چون همه استادان و شاگردان درس خارج، آیت‌الله خوئی و نظریات علمی و اصولی او را در وهله نخست با «محاضرات» و از طریق کتاب «محمداسحاق فیاض» شناخته‌اند. اما مرحوم فیاض بسان شیخ اعظم و آخوند خراسانی و شهید صدر علاوه بر تقریرات، خود نیز دست به قلم برد و علاوه بر تقریرات شاگردان، خود وی به طور مستقیم بیش از ۴۰

سخنرانی استاد سرور در دانش در محفل بزرگداشت آیت‌الله فیاض ۱۹ سنبله ۱۴۰۵

جلد کتاب علمی تألیف کرده است که برخی از آن‌ها یک دایره المعارف است مانند: المباحث الاصولیه و تعالیق مبسوطه. خود ایشان در باره المباحث الاصولیه در آخر جلد ۱۵ گفته است: به کملت الموسوعه العلمیه الاصولیه التی اشتملت علی احداث ما وصل الیه الاصولیون من الآراء و الافکار والنظریات العامه. یعنی: «با این جلد پانزدهم، دایره‌المعارف جامع و علمی اصول فقه تکمیل شد که شامل جدیدترین آراء، اندیشه‌ها و نظریه‌های کلی رسیده به دست علمای اصول است».

همچنین ایشان در تعریف المباحث الاصولیه نوشته است: دراسه موضوعیه معمقه تستوعب احداث ما وصل الیه الباحث الاصولی من الآراء و النظریات العامه باسلوب بالغ درجه کبیره من الدقه و العمق و الشمول. یعنی: «این یک مطالعه کامل ژرف‌نگرانه و بی‌طرفانه است که جدیدترین آراء و نظریه‌های کلی رسیده به دست محققان اصول فقه را در بر می‌گیرد و با دقت، عمق و جامعیت بالایی ارائه شده است».

به نظر امروز برای اجتهاد و فقاقت کسی کافی است که به جای ده‌ها و صدها جلد کتاب‌های پراکنده دیگر، تنها همین ۱۵ جلد المباحث الاصولیه فیاض را به طور دقیق و محققانه مطالعه کند و آن را در استنباط فقهی به کار ببندد چون این کتاب آخرین و جدیدترین نظریات و اندیشه‌های اصولی حد اقل هشت تن از استوانه‌های اجتهاد و فقاقت را یکجا به تحلیل و تبیین گرفته است.

در کنار آن‌ها، مسائل مستحدثه و نوآوری‌های آیت‌الله فیاض در عرصه‌های غیر از مباحث سنتی مطرح شده در درس‌های خارجه فقه و اصول، نیز قابل توجه است: الاراضی، البنوک، جایگاه زن در نظام اسلامی، مسائل طبی، اطروحات فکریه، المسائل المستحدثه، مالکیت فکری و مانند آن که معرفی هر کدام تحقیق جداگانه می‌طلبد.

حضر گرامی!

به خاطر ضیق وقت تعیین شده، در رابطه با جایگاه آیت الله فیاض به همین مقدار اکتفا می‌کنم و حتماً دوستان دیگر در این رابطه سخن خواهند گفت. لازم می‌بینم که در این

محفل علمایی و روحانی و به جهت اهمیت موضوع به پاره‌ای از تحولات خطیر سیاسی افغانستان و رسالتی که علما بر دوش دارند، به صورت بسیار مختصر اشاره کنم.

تحولات خطیر سیاسی افغانستان و رسالت علما

امروز در افغانستان متأسفانه فضایی حاکم شده که زندگی برای تمام مردم افغانستان از همه اقوام و گروه‌های سیاسی و اجتماعی، مخصوصاً برای شیعیان و هزاره‌های افغانستان بسیار تلخ و غیرقابل تحمل شده است. اکنون علی‌رغم این که مردم ما به پیروی از سیاست مدنی و صلح جویانه و رعایت منافع و مصالح علیای کشور، همواره طرفدار صلح و عدالت و سیاست گفتگو و راه‌حل مسالمت‌آمیز منازعات بوده‌اند، اما همه شواهد اخیر نشان می‌دهد که در گروه حاکم هیچ نوع تغییری در سیاست انحصار و حذف اقوام و گروه‌های دیگر ایجاد نشده و این گروه به هیچ توصیه خیرخواهانه کشورهای منطقه و جامعه جهانی مبنی بر تعامل سیاسی و تشکیل حکومت فراگیر با مشارکت عادلانه تمام اقوام و گروه‌های کشور توجه نکرده است.

هزاره‌ها و شیعیان؛ خطر بقا و حذف

در ماه‌های اخیر برخورد این گروه نشان می‌دهد که جامعه شیعه و هزاره افغانستان به طور مشخص هدف سرکوب و تجاوز قرار گرفته و یکبار دیگر با خطر بقا و طرح خطرناک حذف مواجه شده است. ایجاد محدودیت برای شعیان و نمادهای مذهبی شیعیان، لغو رسمیت مذهب تشیع و قانون احوال شخصیه اهل تشیع و تدریس فقه جعفری در دانشگاه‌ها، امارتی اعلام کردن سکونت‌گاه‌ها و شهرک‌های محل سکونت هزاره‌ها در کابل و غزنی و هرات و مزار و حتی بهسود و دایکندی و بامیان، تصرف مرکز بزرگ فرهنگی و دینی خاتم النبیین در کابل، تعطیل کردن رسانه‌های مربوط به شیعیان مانند تلویزیون تمدن و راه فردا و مانند آن‌ها، اخراج کدرهای شیعیان از ادارات دولتی، کوچ‌های اجباری مردم، توقیف‌های خودسرانه و شکنجه‌های وحشیانه و اعمال فشارهای طاقت‌فرسای سیاسی و اقتصادی و روانی بر گروه‌های مختلف مردم شیعه و هزاره و بدتر و خطرناک‌تر از همه ادعای برخی از چهره‌های معلوم‌الحال این گروه در کتابش به نام (معتمد ما ترید

من معتقد ماترید) مبنی بر تکفیر شیعه و "فرقه قبوریه و تکفیریه" خواندن تشیع و تکرار اباطیل سلفی‌ها مبنی بر این که این مذهب توسط ابن سبای یهودی تأسیس شده و عقاید آن‌ها مستلزم انکار توحید است و ادعای این که (هم یعنی شیعه) ایادی الکفار بین المسلمین فی طول التاریخ) و ده‌ها مورد از برخوردهای خشن و غیر انسانی دیگر نشان می‌دهد که موجودیت و بقای معنوی و فیزیکی مردم ما با خطر جدی مواجه است.

امروز که در آستانه ۲۵ سپتمبر روز جهانی یادبود نسل‌کشی هزاره‌ها در عصر امیر عبدالرحمان خان قرار داریم، سیاست عبدالرحمانی مبنی بر تکفیر مذهبی، نسل‌کشی، کوچ اجباری و پاکسازی قومی، یکبار دیگر در حال تکرار شدن است. در اواخر قرن ۱۹ در سال‌های بین ۱۸۸۸ تا ۱۸۹۳ که آخرین سنگر مقاومت هزاره‌ها در ارزگان توسط لشکریان مهاجم عبدالرحمان تسخیر گردید، بر اساس منابع معتبر تاریخی بیش از ۶۰ درصد یعنی در حدود ۴۰۰ هزار خانواده از جمعیت هزاره‌ها قتل عام یا آواره و یا به بردگی گرفته شدند و زمین‌هایشان غصب گردید.

اکنون ضمن گرامی‌داشت قربانیان مظلوم آن فاجعه نسل‌کشی، باید تأکید کنیم که در چنین وضعیتی مسئولیت و رسالت همه ما مخصوصاً علما و طلاب بیش از هر وقت و زمان دیگر سنگین تر خواهد بود. در افغانستان علما و طلاب همواره و در طول تاریخ، به تأسی از تعالیم آزادی‌خواهانه عاشورایی و الگوهای علوی و حسینی، طلایه‌دار عدالت‌خواهی و حق‌طلبی بوده و در دفاع از آزادی‌ها و حقوق اساسی مردم سهم برآورده و تعیین‌کننده داشته‌اند و مطمئن هستیم که در زمانه کنونی نیز علما و طلاب ما این رسالت تاریخی خود را در مبارزه با ظلم و ستم و تأمین عدالت ایفا خواهند کرد.

اهمیت حفظ و تقویت همدلی و همبستگی

نکته مهم دیگر در این رابطه حفظ و تقویت وحدت، همدلی و همبستگی مردم در مقابل این فشارها است. اساتید معظم و علمای اعلام باید تلاش کنند که صفوف مردم ما بیش از هر وقت دیگر فشرده‌تر و منسجم‌تر شود. ما در میان خود با این که ممکن است دیدگاه‌ها و خطوط متفاوت سیاسی و فکری داشته باشیم - که این یعنی تفاوت‌ها و چندصدایی و آزادی فکری از لازمه یک جامعه زنده و رشید است - اما می‌دانیم و بلکه یقین داریم که

در کنار این تفاوت‌ها، صدها نقطه مشترک، درد مشترک، هویت مشترک، آرمان‌های مشترک و منافع مشترک داریم و عقلانیت سیاسی ایجاب می‌کند که آرمان‌ها و اهداف و منافع مشترک باید در اولویت همه قرار داشته باشند. از این رو علمای بزرگوار باید در این عرصه نسبت به همه باید پیشگام باشند.

نکته مهمی که می‌خواهم توجه عمیق شما را به آن جلب کنم این است که امروز دشمن خانه شما را از تهداب و -به تعبیر سعدی- از پای‌بست ویران می‌کند، اما متأسفانه خواجه در بند نقش ایوان است. دشمن به تدریج همه دستاوردهای شما را در تمام عرصه‌ها نابود می‌کند. این دستاوردها نه تنها محصول دوره جمهوریت و تلاش‌های این شخص و آن شخص بود، بلکه محصول حداقل ۵۰ سال مجاهدات و مبارزات و مقاومت‌ها و خون شهدا مخصوصاً مقاومت عدالت‌خواهانه دهه هفتاد بود. ما اگر در دوره جمهوریت دارای رسمیت مذهب و جایگاه سیاسی و حقوق سیاسی و مدنی و مالک شهرک‌ها و رسانه‌ها و دانشگاه‌ها و حوزه‌های علمیه شدیم، همه آن‌ها به برکت آن مقاومتی بود که مردم ما را به عنوان یک قدرت و شریک در اقتدار سیاسی مطرح ساخته و راه را هموار و فرصت‌ها را فراهم ساخته بود و به تعبیر شهید بلخی این آبرخ از همت آن لاله کفنان بود. بنا بر این هر آنچه داریم دستاورد همه ما و مربوط به کل مردم ما و مرتبط به هویت و تاریخ و فرهنگ همه ما است و تعلق به شخص یا جناح یا حزب خاصی ندارد. حوزه علمیه خاتم النبیین یا شهرک امید سبز یا جبرئیل هرات و نوآباد غزنی و هر مورد مشابه دیگر ملکیت مردم و ملت است نه شخص و حزب خاص. شما باید امروز متوجه این ظرافت باشید و اجازه ندهید که دسایس و نقشه‌های زیرکانه دوره عبدالرحمان تکرار شود و نباید مسائل فرعی و هواهای شخصی باعث شود که اولویت‌ها و مسائل اصلی خود را فراموش کنیم.

من به سهم خود از جامعه بین‌المللی و کشورهای اسلامی و به طور خاص از حوزات علمیه قم و نجف و مراجع عالی‌قدر تقلید جهان تشیع و همچنین از همه اقوام شریف افغانستان و گروه‌ها و شخصیت‌های سیاسی کشور می‌خواهم که در این شرایط حساس تاریخی، شیعیان افغانستان را تنها نگذارند و در مقابل ظلم و ستم آشکاری که بر این مردم

صرفاً به خاطر تفاوت‌های مذهبی و قومی صورت می‌گیرد، از آنان دفاع و حمایت کنند و مظالم گروه متعصب افراطی حاکم ضد عدالت و ضد انسانیت را محکوم کنند.

پیام برای نسل سوم علمای افغانستان

در پایان چند پیام فشرده دیگر برای نسل سوم علمای افغانستانی دارم. برای نسلی که هم اکنون نیز در حوزات علمیه داخل و خارج کشور حضور سنگینی دارد و من این نسل را نسل فقاقت و سیاست نامیده‌ام، یعنی نسلی که رسالت دو بعدی فقاقت و سیاست را بر دوش دارد.

۱. هر طلبه‌ای که سطح عالی حوزه را تمام کرده و به درس خارج مشغول است و در حوزه علمیه حضور دارد، باید **رسیدن به درجه "اجتهاد" را حداقل هدف اصلی خود قرار دهد**. با توجه به امکانات و فرصتی که امروز در حوزات علمیه فراهم است، هر کسی که به پایین‌تر از درجه اجتهاد قناعت کند، هم به خود خیانت کرده و هم به مردم و هم بهترین فرصتی را از دست داده که در گذشته کمتر برای مردم ما فراهم بوده است.

۲. شرایط زمانه امروز اقتضا می‌کند که **در اجتهاد و فقاقت با دید انتقادی و نوآورانه برخورد شود**. فقه و اجتهاد امروز بر عکس دیروز، با چالش‌های زیاد و انتظارات فراوان مواجه است و باید در روش اجتهاد، بازنگری صورت گیرد تا فقه پویایی خود را از دست ندهد و این، مسئولیت نسل جدید علما و فقها است که با بصیرت و چشم بیدار و به عنوان "عالم به زمان" با "حوادث واقعه" برخورد کنند.

۳. خطاب به علما و طلاب جوان این نسل این است که در **"فقاقت" راه "فیاض بزرگ" و در "سیاست" راه "شهید مزاری بزرگ" را ادامه دهید**. پیمودن هر دو مسیر یعنی "فقاقت پویا" و "سیاست عدالت‌خواهانه"، ضرورت زمان، نیاز مردم و عامل بقای ما است و هر راه دیگر، در حقیقت بی‌راهه و کژراهه است و به عقب‌گرد و گمراهی می‌انجامد.

تشکر از توجه شما

والسلام علیکم و رحمت الله و برکاته.

سخنرانی استاد سرور در دانش در محفل بزرگداشت آیت الله فیاض ۱۹ سنبله ۱۴۰۵

بسمه تعالی

دعوت نامه

يَرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ

فرخنده گرامر
سلام علیکم

تکریم مقام شامخ مرجعیت و پاسداشت جایگاه علمی فقیهان وارسته، رسالتی خطیر بر دوش نهادهای علمی، دینی و جامعه نخبگانی است، در همین راستا، **بنیاد اندیشه**، افتخار دارد شما را به «محفل تکریم و تجلیل از مقام شامخ علمی مرجع عالیقدر جهان تشیع؛ حضرت آیت الله العظمی محمداسحاق فیاض^(۱)» و رونمایی از دو اثر تازه منتشرشده توسط بنیاد اندیشه، با محوریت جایگاه علمی و شخصیتی آن فقیه فرزانه:

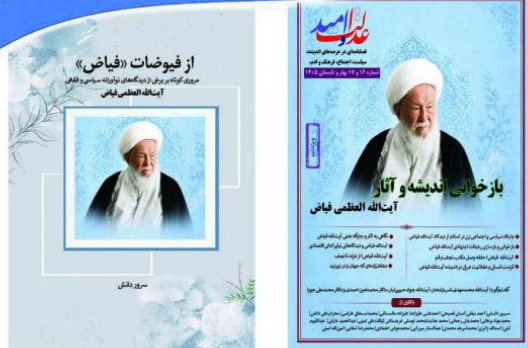
۱. از فیوضات «فیاض»، به قلم استاد سرور دانش،
۲. فصلنامه عدالت و امید ویژه نامه بازخوانی اندیشه و آثار این مرجع عالی قدر^(۲)

صمیمانه دعوت نماید.

سخنران محفل:

- ♦ استاد سرور دانش (معاون پیشین ریاست جمهوری افغانستان)
- ♦ حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمدعلی جويا
- ♦ استاد سرور جوادی

زمان: روز پنجشنبه، ۱۴۰۵/۶/۱۹ ساعت: ۹:۳۰ صبح تا ۱۲ ظهر
مکان: قم، بلوار امین، سه راه سالاریه، مجتمع امین، بلوک ۱، طبقه چهارم، سالن همایش ها
حضور ارزشمند شما فرهیخته گرامی را ارج می نهیم.
بنیاد اندیشه



بارونمای از آثار تازه منتشرشده توسط بنیاد اندیشه



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



محفل بزرگداشت مقام شامخ علمی مرجع عالیقدر جهان تشیع

حضرت آیت الله العظمی محمد اسحاق فیاض (ره)

با برنامه‌های سخنرانی و رونمایی آثار از سوی بنیاد اندیشه برگزار می‌گردد:

سخنرانان:

استاد سرور دانش (معاون پیشین ریاست جمهوری افغانستان)
حجة الاسلام والمسلمین دکتر محمدعلی جويا
استاد سرور جوادی

آئین رونمایی از آثار مکتوب:

کتاب «از فیوضات فیاض» به قلم استاد سرور دانش، مروری بر اندیشه‌های نوین فقهی و سیاسی آیت الله العظمی فیاض
فصلنامه «عدالت و امید» - ویژه بازخوانی اندیشه‌ها و آثار آن فقیه نواندیش.

زمان: پنج‌شنبه، ۱۴۰۵/۶/۱۹ ساعت: ۹:۳۰ صبح الی ۱۲ ظهر
مکان: قم، بلوار امین، سه راه سالاریه، مجتمع امین، بلوک ۱، طبقه چهارم، سالن همایش‌ها

